



روزنامه هفتگی طنز راه راه
چهارشنبه‌ها می‌خوانید
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی
rahrahtanz.ir @tanzyam

چشم‌تنگِ گاو!

صدوپنجاه شتر و حکایت سعدی

صفحه ۱۱



بلدی نفسِ بکشی؟

روزی روزگاری: رویارویی مرادبیک و حسام بیک

صفحه ۱۱



جلسه محرمانه

دستگیری وزیر سابق انرژی اسرائیل
به اتهام جاسوسی برای ایران

صفحه ۶



به بهانه استقبال داغ آمریکا از پناهجویان، همزمان با روز جهانی پناهنده

به خاطر یک مشت مینیسک زانو!

سمیرا قره‌داغی

هر چند باورش برای فرزند محصل شما نیز سخت باشد، اما در همین آمریکای کدخدای جهان و شوهرنه کشورهای حاشیه خلیج فارس، وقتی داشتند قوانین بشردوستانه را تدوین می‌کردند حواس‌شان نبود که اگر «ورود نوزاد فرد خاطی به بازداشتگاه ممنوع است»، پس برای نگهداری نوزاد چه باید کرد؟! کسی هم نمی‌دانست در دوره بوش جمهوری خواه و اوپامای مؤدب دموکرات، گارد ملی آمریکا با این کودکان چه می‌کرد. البته معلوم که هست! قبلاً هم همین کاری را می‌کردند که الان وزیر دادگستری ترامپ به «کتاب مقدس» ربطش می‌دهد. ولی خب الان این جو جهانی علیه ترامپ - و به نفع باقی آمریکا - فعالیت‌های رؤسای جمهور سابق و اسبق را شسته برده.

با توجه به اینکه هنوز تیم ماستمال آمریکا مستقر در رسانه‌های مستقل، فعالیت خود را به صورت جدی سازماندهی نکرده، مثلاً کسی در نیامده بگوید «چون آمریکا کنوانسیون حقوق کودک رو امضا نکرده، پس بذاری توی دنیا بچرن برا خودتون»، ما یک سری دلایل اصلی برای اقدام غربینوازه دولت آمریکا پیدا کردیم که هر وقت لازم شد، بیابند از اینجا وردارند:

یک: اگر بچه‌ها را آن طور «صدانه یا قوت/دسته به دسته» به سمت قفس راهنمایی نمی‌کردند، ممکن بود بروند به عنوان پناهنده پذیرفته شوند و بعدها توی مهد کودک «گل‌های ویرجینیا» با هفت تیر همکلاسی‌شان نغله شوند.

دو: اگر از مهد کودک هم جان سالم به در می‌بردند، ممکن بود در کمپ پناهجویان گیر داوطلبان UN بیفتند و در اوان کودکی، پدر یا مادر شوند، بعد برای یک لقمه نان «کودک کار» شوند و بحران بشود سه تا: پناهندگی، آن قضیه UN و کودک کار شدن.

سه: اگر از مهد کودک و کمپ پناهجویان جان سالم به در می‌بردند، پوست‌شان کلفت می‌شد و آدم‌های پوست کلفت با آن قیافه زشت و چرک مخصوص پناهجویان جنوبی‌شان، هر آن ممکن بود توی پیاده‌رو یا توی پمپ بنزین مورد عنایت پلیس قرار بگیرند و مردم بپکوبیبینند یک خانواده آبکش دارند سینه‌خیز می‌روند طرف خانه‌شان.

چهار: هر چند طبق زیرنویس‌های شبکه BBC همین الان هاست که آمریکا این «اعمال قانون» را متوقف کند، اما باید اذعان داشت بچه‌های که از دوره شیرخوارگی توانسته دور از والدین برای خودش توی سلول انفرادی بخورد، پوشک عوض کند، پاهایش را پودر بچه بزند و قرص‌هایش را بخورد در واقع دارد استقلال از والدین را تمرین می‌کند و خیلی زود مرز رد می‌شود و از بابایش پول تو جیبی نمی‌خواهد که بابایش قرمز شود.

پنج: یک بچه قفسی تا آخر عمر با همه مادرهای دربند ایران، کودکان اعدایی، فعالین حقوق بشر، آزادبخواهان، فعالان محیط زیست، محمد ثلاث و باقی بیچاره‌ها همدردی خواهد نمود و کلا در هر یارکشی حقوق بشری، عین یک اکتیویست اجتماعی با فهم و کمالات رفتار خواهد کرد.

شش: پناهجویی که توی قفس مورد مواظبت قرار بگیرد، پس فردا که بزرگ شد عین برخی پناهجویان در اروپا، می‌افتد دست یک پیرزن پولدار و توی مهمانی‌ها نقش دوست پسر او را بازی می‌کند تا بتواند نان و جای گرم داشته باشد. در صورتی که مهمانی‌های بی در پی، باعث آسیب به بنیان‌های خانواده از ناحیه مینیسک زانو پیرزن خواهد شد.

پس حالا که گروه‌های سنی الف تا جیم، توی قفس شام و ناهار گرم دارند، سر ساعت آرامبخش و آمپول و واکسن‌شان تزریق می‌شود و پلیس عین بچه خودش از ایشان مراقبت می‌کند، شما می‌شود بفرمایید چه مرگ‌تان است که کاسه داغ‌تر از آش می‌شوید!؟



سید محمد جواد طاهری